

Email:
rjcis@journals.sku.ac.ir

website:
<https://rjcis.sku.ac.ir>

Journal of Culture and Islamic Sciences



Women's blood price" In the Quran and Islam, is half or equal?

Ansari Elham ^{*1}

1- PhD in Plant Breeding, Molecular Genetics from Tehran University of Science and Research, Iran

Article information

ABSTRACT

Article type:
Research Paper

KEYWORDS:

Blood money, Blood price,
Quran, Islam, woman,
Man, Blood Money for
women.

Received: 2025/02/03
Accepted: 2025/06/26

*Corresponding author:

elham77eli6666@yahoo.com

How to cite this paper:

Ansari, E. (2025). Women's
blood price" in the Quran and
Islam; is half or equal?.
Journal of culture and Islamic
sciences. 9(5): 169-184.

It seems that it is better for educated women, who are struggling with their own problems, to enter into the jurisprudential discussions related to women, so that in addition to issuing correct rulings for their class, they can also help the experts in the matter issue rulings by observing all aspects of the matter. Especially regarding the very important topic of "women's blood money in Islam," which is closely related to women's rights (haq al-nas), and surprisingly, the scholars' views on it are contradictory. Considering the lack of direct mention of it in the Quran and the existence of numerous narrations, a few Islamic scholars, such as the great scholar, Allama Mohaqiq al-Ardabili, and Ayatollah Sanei, have pondered over it. In this study, considering the verses of the Quran about blood money and the authentic narrations and rational reasons, it is proven that the amount of blood money for women and men, especially from the perspective of the Quran, is the same, except in societies with different norms that distinguish between human souls.

DOI: 10.22034/rjcis.2025.15098.1137

دیه زن در قرآن و اسلام؛ نصف یا برابر؟

الهام انصاری^{۱*}

۱. دکتری تخصصی اصلاح نباتات، ژنتیک مولکولی از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی	به نظر می‌رسد در برخی مباحث فقهی مربوط به بانوان، با توجه به آسیب‌های پدید آمده بعدی که حاکی از عدم دقت نظر در ظرایف امور این قشر می‌باشد، بهتر است تجدید نظر جدی صورت گیرد. به این منظور بانوان فرهیخته، که با مشکلات خاص خود دست به گریبان‌اند، نیز می‌توانند در صدور احکامی مقرون به صحت برای صنف خود ورود و به متخصصین امر در این رابطه کمک نمایند تا صدور احکام مرتبط، با رعایت تمام جوانب صورت پذیرد. خصوصاً درباره بحث بسیار مهم «دیه زن در اسلام» که با حقوق زنان (حق الناس) در ارتباط تنگاتنگ است و با کمال شگفتی در دیدگاه علما در زمینه آن، ناهمسانی دیده می‌شود و با توجه به عدم ذکر مستقیم میزان آن در قرآن و وجود روایات متعدد، عده اندکی از علمای اسلام مانند محقق والامقام، علامه محقق اردبیلی و آیت ا... صانعی در آن غور نموده‌اند. در این پژوهش، با استفاده از روش‌های تحقیق نقلی و عقلی و با توجه به آیات قرآن درباره دیه و روایات صحیح و دلایل عقلی، ثابت می‌شود که میزان دیه زن و مرد خصوصاً از نظر قرآن، جز در جوامعی با هنجارهای متفاوت که در میان نفوس آدمی تمایز قائل می‌شوند، یکسان است.
واژگان کلیدی: دیه، قرآن، اسلام، زن، مرد، دیه زن.	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: elham77eli6666@yahoo.com	
ارجاع: انصاری، ا.، ۱۴۰۴، دیه زن در قرآن و اسلام؛ نصف یا برابر؟، پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی، ۹(۵)، ۱۶۹-۱۸۴.	

مقدمه

در ۲۷ آبان ۱۴۰۳ رهبر معظم انقلاب اسلامی به صورت تلویحی درباره زنان مجتهد ایرانی و لزوم ورودشان به مباحثی که مختص زنان است و صدور احکام مناسب‌تر، سخنانی بیان فرمودند. به نظر می‌رسد درباره مواردی مانند حق طلاق که گاه سال‌ها زنان را کالمعلقه (یعنی حالتی که مرد همسر خود را طلاق نداده اما با او هم زندگی نمی‌کند) نگاه می‌دارد، حق ادامه تحصیل طبق دستور نبوی «طلب العلم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است» که پدران و مادران را از ازدواج زود هنگام فرزندان‌شان پشیمان نخواهد کرد، احکام استحضه‌هایی که همان ادامه حیض‌اند و نوعی بیماری که باید درمان شوند و با غسل‌های متعدد کامل، در تضادند و سن بلوغ دختران که مورد اشراف خود زنان است و حتی موتورسواری بانوان که بسیار ارزان‌تر از انواع ماشین‌هاست؛ البته با تعهد لحاظ شرایط و مناسب سازی (مثلاً کابین‌دار کردن و حتی کولردار کردن کابین) و ایمن کردن شرایط موتورها برای بانوان عزیزمان و نیز درباره دیه زن که بیشتر از ممات، به دلیل ایجاد امنیت جانی و ایجاد ارزش انسانی در دوران حیات انسان کارایی دارد، بهتر است یا تجدید نظر شده یا خود بانوان متخصص در فقه و علوم دینی ورود نمایند. نصف بودن دیه زنان در هیچ‌یک از آیات قرآن نیامده است و آن‌گونه که محققینی چون علامه محقق اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۱۶ق: ۴۶۷-۴۷۴) و آیت ... یوسف صانعی (صانعی، ۱۳۸۴: ۳۳-۶۸) و حجت الاسلام حسین خادمی (ایسنا) بر شمرده‌اند، روایاتی که درباره نصف بودن دیه زن نقل شده‌اند یا به لحاظ روایی یا به لحاظ منطقی یا به لحاظ تطابق با قرآن و سنت ضعیف‌اند. شاید مفصل‌ترین و علمی‌ترین تحقیق در زمینه دیه توسط علامه محقق اردبیلی انجام گرفته است. ایشان همان محققانی که بنابر آنچه درباره ایشان نقل شده در صدور احکام دینی سؤال برانگیز، نظر مستقیم مولا امیرالمؤمنین، علیه السلام، را دریافت می‌داشته‌اند (حسینی یزدی، ۱۳۹۰: ۱۳).

در پژوهش حاضر، به پاسخ بدین مسئله پرداخته می‌شود که با چه دلایل قرآنی و حدیثی، دیه زن و مرد برابر می‌باشد و برخی تبعات نصف بودن دیه برای زنان در حین حیاتشان بررسی می‌گردد. همین‌طور ثابت می‌شود دلیلی که برای نصف بودن ارث می‌آورند، برای دیه کارآیی ندارد و برخی نظرات مخالفان نقد و بررسی می‌گردد. در غرب در مسئله قصاص انواع جراحات، هم در حق زن و هم در حق مرد ستم می‌گردد. یعنی اگر مرد یا زنی در غرب کشته شود یا حتی زنی یک‌بار یا بارها مورد تجاوز قرار گیرد معمولاً اعدامی در کار نیست و نهایتاً مجرم چندسال زندانی و سپس آزاد می‌گردد. پس بسیاری از کشورهای غربی در اینجا متهم‌اند و نمی‌توانند مدعی باشند.

شرح و یافته‌ها

۱. دیه زن در قرآن

درست است که نصف بودن ارث دختران به صراحت در قرآن آمده (و دلیل منطقی دارد) اما در هیچ آیه‌ای از قرآن نصف بودن دیه زن بیان نشده است.

۱.۱. آیه اول:

درباره دیه، به وضوح در قرآن کریم آیه ۴۵ سوره مائده، دیه همه انسان‌ها اعم از زن و مرد در یهودیت برابر شمرده شده است: «وَكُتِبَ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ...»؛ و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنید و چشم را مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را به گوش و دندان را به دندان، و هر زخمی را قصاص خواهد بود...» که باتورات کنونی هماهنگ است: در باب ۲۱ سفر خروج تورات بخش ۱۲، نوشته شده که هر که انسانی را بزند و او بمیرد، هر آینه کشته شود و در بخش ۲۴ همان باب نوشته شده: و چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان و دست به عوض دست و پا به عوض پا و هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده است و هم‌اکنون نیز در آیین کلیمیان، همین شیوه برقرار است و فرقی قائل نیستند. بنابراین بعید است که در یک دین الهی دیه برابر بوده و در دین بعدی که روزآمدتر، جدیدتر و طرفدار حقوق زنان است دیه نصف شود. به علاوه آیا یک زن یهودی ارزشی بیش از یک زن مسلمان دارد؟ قطعاً این گونه نیست.

۲.۱. آیه دوم:

آیه ای که نصف بودن دیه زن را از آن آیه استخراج می کنند آیه ۱۷۸ سوره بقره می باشد که فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ مِّنْ عِزِّدِي بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ ای اهل ایمان بر شما حکم قصاص کشتگان چنین معین گشت که مرد آزاد در مقابل مرد آزاد و بنده را به جای بنده و زن را به جای زن قصاص توانید کرد. و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد کاری است نیکو؛ پس قاتل دیه را در کمال خشنودی ادا کند. در این حکم، تخفیف (امر قصاص) و رحمت خداوندی است و پس از این دستور، هر که تجاوز کند او را عذابی سخت خواهد بود».

شان نزول اول آیه ۱۷۸ سوره بقره:

درباره شأن نزول این آیه در جلد ۲ تفسیر مجمع البیان صفحه ۴۷۹ آمده که یکی از قبایل عرب در برابر قبیله دیگر، برای خود امتیاز و فضیلتی قائل بود و روی همین جهت افراد این قبیله قسم یاد کرده بودند که اگر آن قبیله یکی از بندگان ما را بکشد ما در مقابل آن یک فرد آزاد از آن‌ها را خواهیم کشت و اگر زنی از ما بکشند ما مردی از آنان را می کشیم و چنانچه یک مرد از ما بکشند ما دو مرد از آن‌ها را مقتول خواهیم ساخت. به علاوه دیه جراحات خود را دو برابر دیه جراحات آنان قرار داده بودند «تا اینکه دین اسلام پدید آمد» و این آیه را خداوند نازل فرمود (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱/ ۴۷۹).

شان نزول دوم آیه ۱۷۸ سوره بقره:

شیخ طوسی گوید: «قتاده گوید: این آیه درباره طایفه‌ای از «اهل جاهلیت» نازل گردیده که بر طائفه‌ای دیگر تفوق داشته‌اند و می‌خواستند از لحاظ قصاص بر آن‌ها تعدی و تجاوز نمایند به قسمی که راضی نبودند که در قبال برده‌ای از خود برده‌ای از آن‌ها را قصاص کنند، بلکه می‌خواستند شخص آزادی را از میان آن‌ها قصاص نمایند و در قبال زن، مردی از قبیله طرف مقابل خود را قصاص کنند و خداوند با نزول این آیه آن روش را نهی نمود (شیخ

طوسی: ۱۰۲؛ رازی، ۱۳۷۶: ۲/ ۳۲۹؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۱/ ۴۷۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۱/ ۲۹۳؛ در باره این آیه چند نکته شایان توجه است:

۱. همان گونه که بیان شده این طایفه از اهالی دوران جاهلیت بوده‌اند؛
 ۲. در این طایفه برده‌داری رواج داشته است؛
 ۳. برده‌ها هرچند اگر حتی مرد و توانمند و عاقل تر و در حقیقت با ارزش تر بودند؛ باز هم در این طایفه جاهلی، ارزش کمتری از مردان آزاد برایشان قائل بودند؛
 ۴. زنان نیز در جاهلیت ارزش کمتری داشته‌اند هرچند عاقل تر و مفیدتر از بسیاری مردان بوده باشند؛
 ۵. این طایفه، تفوق طلب بوده و حتی در مقابل کشته شدن یک مرد از خود قصد کشتن دو مرد از طایفه مقابل و قصد خونریزی ناحق و جنایت داشته است؛
- در واقع شاه کلید فهم درست این آیه، مسئله برده‌داری است. این طایفه نه زن و مرد را برابر می‌دانسته و نه انسان برده و آزاد را و همان گونه که الان برده‌داری برافتاده و ارزش انسان آزاد و برده‌های احتمالی موجود یکسان است، پس ارزش مرد و زن و دیه آن‌ها نیز می‌تواند برابر باشد. از تمام موارد فوق استنباط می‌شود که این آیه بیشتر درباره جوامعی که ارزش افراد را برابر نمی‌داند، صدق می‌کند تا در صورت اختلاف و کشتار، طبق این خط کش جلو بروند و از خونریزی ناحق پرهیزند. اصولاً به نظر می‌رسد که لحن شدید و عتاب‌آمیز و احتمال تعدی از دستور خدا در آخر این آیه: «فَمَنْ اَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ اَلِيمٌ» هم از اختصاص این آیه به چنین افراد متعدی متعصب، لجباز و برتری طلب حکایت دارد. درواقع به طور جدی به نظر می‌رسد که در آیه ۱۷۸ سوره بقره شاهد صدور به اصطلاح یک «حکم اختصاصی» هستیم. اما در جوامعی چون جامعه کنونی که برده‌داری مردان و کم‌ارزش بودن زن برافتاده است و موقعیت زنان در جامعه ارتقا پیدا کرده و ارزشمند است؛ «این سه نفس (مرد، زن و برده) بر هم تطابق دارند و فرقی بین مرد آزاد و مرد بنده و زن نیست و نفس بر نفس تطابق یافته و همان النفس بالنفس سوره مانده تحقق می‌یابد که در زمان بنی اسرائیل هم همین بوده است». بنابر این ارزش وجودی همه این سه مدل نفس باهم برابر است و در ازای کشته شدن کشته می‌شوند و دیه یکسان دارند.

۳.۱. آیه سوم:

خداوند در آیه ۹۲ سوره «نسا» می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ اَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا اِلَّا خَطَاً. وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ اِلَىٰ اَهْلِهِ اِلَّا اَنْ يَصَّدَّقُوا؛ فَاِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَ اِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ اِلَىٰ اَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا؛... اگر کسی مؤمنی را به خطا به قتل برساند، باید (در كفاره آن) یک برده مؤمن را آزاد کند و خون‌بهایی هم به کسان او بپردازد؛ مگر آنکه صاحبان خون او را ببخشند و اگر ورثه مقتول مؤمن، از مردمی باشند که بین شما و آنان عداوت و جنگ است، همان آزاد کردن برده مؤمن کافی است و اگر مقتول از قومی باشد که بین شما و آنان پیمانی برقرار است، باید برده‌ای مؤمن را آزاد و خون‌بهایی به کسان او تسلیم کند و کسی که

نمی‌تواند برده‌ای آزاد کند، به جای آن دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد. این بخشایشی از ناحیه خداست که خدا همواره دانای فرزانه بوده است».

شان نزول:

یکی از بت‌پرستان مکه به نام حارث بن یزید با دستیاری ابوجهل، مسلمانی را به نام عیاش بن ابی‌ریبعه به جرم گرایش به اسلام مدت‌ها شکنجه می‌داد، «پس از هجرت مسلمانان به مدینه»، عیاش نیز به مدینه هجرت کرد و در شمار مسلمانان قرار گرفت. روزی در یکی از محله‌های اطراف مدینه با شکنجه‌دهنده خود حارث بن یزید روبرو شد و از فرصت استفاده کرده و او را به قتل رسانید، به گمان اینکه دشمنی را از پای درآورده است؛ درحالی که توجه نداشت که حارث توبه کرده و مسلمان شده است و به سوی پیامبر صلی... علیه‌وآله‌وسلم می‌رود. وقتی جریان را به پیامبر صلی‌او.. علیه‌وآله‌وسلم عرض کردند، آیه نازل شد و حکم قتلی را که از روی اشتباه و خطا واقع شده بیان کرد (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴: ۴/ ۶۰).

به شأن نزول آیه (در مقایسه با آیه ۱۷۸ سوره بقره) که توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم که این آیه وضوحاً در فضای دیگری نازل شده است؛ یعنی اولاً این آیه در فضای مدینه در زمان حاکمیت شخص پیامبر صلوات... علیه و آله و ثانیاً در میان مؤمنینی که توسط پیامبر اکرم پرورش یافته بودند نزول یافته که کلاً با فضای شأن نزول آیه ۱۷۸ بقره که برای اعراب جاهلی متعصب برتری طلب بود متفاوت است. از سویی به خود آیه که توجه می‌شود، اولاً اینکه خداوند می‌فرماید: «و من» یعنی هرکسی یعنی چه مرد قاتل غیرعامد باشد چه زن قاتل غیرعامد باشد و از آن طرف می‌فرماید: «مؤمنی» کشته شود و به جنسیت مؤمن اشاره نمی‌فرماید و مقدار کفاره را یکسان بیان می‌فرماید. بنابراین اگر ما گمان کنیم که منظور خداوند این است که دیه زن نصف است (و آن یک‌دوم را در کنار آزاد کردن برده پرداخت کنید). چون در این آیه می‌فرماید در ازای کشتن غیرعمد یک نفر، باید یک برده آزاد کنید و دیه بدهید که در این صورت: در ازای کشتن یک زن توسط یک مرد، مرد باید نصف دیه را بدهد و یک برده را آزاد کند $۱.۵ = (۱ + ۱/۲)$

و در ازای کشتن یک مرد توسط یک مرد، مرد باید دیه کامل را بدهد و یک برده را آزاد کند $۲ = (۱ + ۱)$ که ۲، دو برابر یک‌و‌نیم نیست! یعنی یک‌و‌نیم، نصف ۲ نیست. بنابراین اصلاً قاعده نصف‌بودن خون‌بهای زن از بین می‌رود یا می‌توان گفت اگر دیه زن نصف بود یا تفاوتی میان مرد و زن وجود داشت، جنسیت برده نیز بیان می‌شد تا نیم‌بودن ادعایی دیه زن با لحاظ نصف‌بودن دیه در آزادی کنار برده زن تحقق یابد. ولی در این آیه نه به نصف‌بودن مبلغ دیه برای زن اشاره شده و نه به جنسیت برده و صرفاً از لفظ مؤمن بدون لحاظ جنسیت او استفاده شده است. البته می‌توان این آزاد کردن برده را علاوه بر دیه شمرد. اما باز هم آن قاعده نیم‌بودن را برهم می‌زنند. در سایت عطنا رسانه تحلیلی دانشگاه علامه طباطبایی در سخنان حجت‌الاسلام حسین خادمیان آمده است: «بیشتر احادیثی که دیه زن را نصف برشمرده‌اند، از نظر روایی (مانند محمد بن عیسی که راوی تقریباً غیر موثق بوده است) (صانعی، ۱۳۷۴: ۴۱) محل اشکال می‌باشند. همین‌طور ایشان می‌گویند: «در آیه بالا (نساء: ۹۲) خداوند تنها از خون‌بها سخن گفته و در آن تفاوتی میان زنان و مردان قائل نشده است و تنها برای کسانی که در جنگ با مؤمنان

یا از اهالی کفر باشند، تفاوت قائل شده است. در روایات نیز «تنها یک روایت مستند» در باب دیه وجود دارد که در آن میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. شیخ «عاملی» در وسایل الشیعه می گوید که پیامبر نوع دیه زمان جاهلی را امضا کرد و میزان آن را همان ۱۰۰ شتر مقرر در پیش از اسلام قرار داد و هیچ صحبتی از جنسیت در موضوع دیه به میان نیامده است با دقت در این روایت، درمی یابیم که پیامبر حتی اهلیت افراد را نیز لحاظ کرده اما در بحث جنسیت سخنی نگفته است (خادمیان، ۱۳۹۶).

نکته ترتیب نزول آیات دیه:

نکته قابل تأمل این است که «ترتیب نزول» سوره های فوق به ترتیب زیر (بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۹۴: ۱۰، ۱۱) است: اول سوره بقره آیه ۱۷۸ نازل شده است (همان آیه ای که عدم یکسانی دیه زن با مرد را از آن استخراج نموده اند) که مطابق آنچه بیان شد بیشتر جهت طوایف متعددی و لجبازی است که ارزش افراد را یکسان نمی دانند. دوم سوره نساء، آیه ۹۲ نازل شده که برای جامعه رشد یافته مانند مدینه النبی است و دیه و خون بها مطابق آن و طبق روایت مستند مرتبط با این سوره، بین زن و مرد برابر بوده و اگر از دید ناسخ و منسوخ به این دو آیه (از سوره های بقره و نساء) توجه نماییم چه بسا این آیه حکم نسخ آیه پیشین یا دست کم حکم انشاء آیه ای جدید برای جوامع و طوایف طبیعی و نرمال را داشته باشد و سومین سوره نازل شده، سوره مائده، آیه ۴۵ است که حکم خداوند در مورد قصاص و در نتیجه دیه برای بنی اسرائیل بیان شده است که با آیه ۹۲ سوره نساء و یکسان بودن دیه مرد و زن همخوانی و تطابق دارد. «بنابراین آیه ۱۷۸ سوره بقره که در ابتدا نازل شده است با دو آیه مؤخر دیگر همخوانی ندارد و با توجه به محتوای آن نتیجه گرفته می شود که برای جوامع دارای شرایط خاص (جامعه متعصب برتری طلبی که میان ارزش نفوس آدمی تفاوت قائل است) صادر شده است و مبین حکمی اختصاصی است».

۴.۱. آیه چهارم:

خداوند در آیه ۹۲ سوره «نساء» می فرماید: «مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ»؛ به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هر کس انسانی را جز برای حق، [قصاص] یا بدون آنکه فساد در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان ها را زنده داشته است و یقیناً پیامبران دلایل روشنی برای بنی اسرائیل آوردند؛ سپس بسیاری از آنان بعد از آن در روی زمین به [تجاوز از حدود حق و فساد و] زیاده روی برخاستند. از حدیثی که از حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق، علیهما السلام، نقل شده است که فرمودند: «هر کس انسانی را از غرق شدن یا سوختن نجات دهد مانند آن است همه مردم دنیا را نجات داده است (کلینی، محمد، ۱۴۰۷ق: ۲ / ۲۱۱-۲۱۰). می توان نتیجه گرفت که آیه بالا نه فقط برای زمان بنی اسرائیل که برای حال حاضر تا قیامت نیز صحت دارد.

از این آیه دو نکته قابل استخراج است

اول اینکه در این آیه نیز زن و مرد استثنا نشده اند و منظور از نفس در این آیه نفس انسانی اعم از زن و مرد است

که با مفهوم آیه ۴۵ سوره مائده که در آن خداوند در آیه قصاص برای بنی اسرائیل بین زن و مرد تمایز قائل نشده است، کاملاً همخوانی دارد (همین طور مشخص می‌شود که در این بخش از تورات کنونی، تحریفی صورت نگرفته است). دوم اینکه چون حکم آیه بالا برای همیشه صحت دارد، برای همیشه نیز نفس زن با نفس مرد در بحث قصاص و دیه باهم برابرند. چون وقتی می‌گویید اگر یک زن کشته شود معادل کشته شدن یک مرد نیست و معادل نصف آن است. بنابراین اگر بهای یک چیزی نصف چیز دیگر باشد بهای جمع آن چیز هم نصف و نه معادل همه خواهد بود. یعنی درحالتی که دیه زن نصف باشد و کشته شدن یک زن معادل کشته شدن یک مرد نباشد، کشته شدن یک زن معادل کشته شدن تمام زن‌ها خواهد بود و کشته شدن تمام آن‌ها روی هم معادل نصف همه مردهای دنیا می‌باشد و نه همه انسان‌های روی زمین! یعنی اگر فرض کنیم جمعیت دنیا ۸ میلیارد باشد؛ آن‌گاه با حساب نیم‌بودن هر زن، طبعاً با کشتن یک مرد گویی ۸ میلیارد و با کشتن هر زن گویی ۴ میلیارد کشته شده باشند. ولی خداوند در این آیه می‌فرماید کشتن یا احیا کردن یک نفس (فرقی ندارد زن یا مرد) معادل کشتن یا احیای همه آدمیان است و این امر همان‌گونه که ملاحظه شد با نیم در نظر گرفتن ارزش زن در بحث قصاص و دیه در تناقض کامل است.

۲. دیه زن در روایات و شرع اسلامی:

با توجه به آیات دیه از قرآن کریم ثابت کردیم که دیه زن و مرد باهم برابر است و تنها آیه‌ای که از آن می‌توان معادل نبودن دیه زن و مرد را استنباط کرد آیه ۱۷۸ سوره بقره است که با توجه به شأن نزول، کلاً برای خاتمه بخشیدن به تعدی‌های یک طایفه متجاوزگر اهل جاهلیت نازل شده بوده است که حتی ارزش برده‌ها را کمتر از افراد آزاد می‌پنداشته‌اند درحالی که دیگر نه برده‌ای وجود دارد و نه بردگان کم‌ارزش‌تر محسوب می‌شوند و به همین قاعده، زنان هم کم‌ارزش‌تر محسوب نمی‌شوند و طبق آیه ۹۳ سوره نساء، ۴۵ مائده، دیه زن و مرد یکسان بیان شد. نیز درباره روایات نصف بودن دیه مطابق تحقیقات علامه محقق اردبیلی و آیت‌الله صانعی و محقق ارجمند، حسین خادمیان، گفته شد که بیشتر احادیثی که دیه زن را نصف بر شمرده‌اند، یا از نظر روایی (مانند محمد بن عیسی که راوی تقریباً غیر موثق بوده است) محل اشکال می‌باشند یا از نظر منطقی یا به لحاظ تطابق با قرآن و سنت اشکال دارند و فقط یک حدیث مستند (محکم) در باب دیه وجود دارد که در آن میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد.

در نهج البلاغه نیز آنجا که حضرت امیر، علیه السلام، با اشاره به برپایی جنگ جمل توسط عایشه، نقایص عمومی برخی زنان را بر می‌شمارند در کنار نصف بودن ارث، هیچ اشاره‌ای به نصف بودن دیه زنان نمی‌فرمایند (نهج البلاغه، خ ۸۰).

مطابق همین تحقیقات است که برخی علمای شیعه در اسلام حکم به برابر بودن دیه زن و مرد داده‌اند. مانند عالم مجتهد محقق و مقدس اردبیلی و نیز آیت‌الله صانعی. شخص مقدس اردبیلی بنابر آنچه درباره ایشان نقل شده در صدور احکام دینی سؤال برانگیز، نظر مستقیم مولا امیرالمؤمنین، علیه السلام، را دریافت می‌داشته‌اند (حسینی یزدی، ۱۳۹۰: ۱۳). برابری دیه زن و مرد به این معناست که اگر زنی را به عمد بکشند و در ازایش خانواده مقتول

پول دیه کامل را نپذیرند، قاتل اعم از مرد یا زن باید کشته شود و نصف بودن دیه زن در واقع به این معناست که در ازای کشته شدن زن، مرد قاتل کشته نمی شود مگر با گرفتن نصف مبلغ دیه کامل انسان از خانواده مقتول! در شیعه، احکام شرعی عقلایی هستند و این شیوه مبنایی وجود دارد که «کَلِمَا حَکَمَ بِهَ الْعَقْلُ حَکَمَ بِهَ الشَّرْعُ وَ کَلِمَا حَکَمَ بِهَ الشَّرْعُ حَکَمَ بِهَ الْعَقْلُ» (علوی گرگانی، ۱۳۹۵) یعنی هرآنچه عقل به آن حکم دهد، شرع هم به همان حکم می دهد و هرآنچه شرع به آن حکم دهد، عقل هم به همان حکم می کند؛ یعنی احکام اسلام کاملاً عقلایی اند.

وقتی بانوان در کشور عزیزمان، ایران، با آزادی می توانند مدارج والای علمی و مدیریتی (نماینده مجلس، معاونت رئیس جمهور، پزشک بودن، وکالت و...) را طی و احصا نمایند، پس باید جان ایشان نیز در اجتماع دارای ارزش شایان بوده و قابل خریدن آن هم با مبلغ کمی پول نباشد. زیرا دیه کنونی بانوان به لحاظ ربایی فقط معادل یک اتومبیل ساده تولید داخل است (البته دیه مردان هم، اکنون مبلغ چندان بالایی ندارد و پرداخت مبلغ آن برای نجومی بگيران بسیار ساده است. شاید جهت منطقی شدن مبلغ دیه، بتوان به علما پیشنهاد بررسی مجدد مبلغ دیه کامل را نمود. مثلاً شاید بهتر باشد به جای ۱۰۰ شتر از همان ۱۰۰۰ دینار طلا استفاده شده یا به ۱۰۰ اتومبیل داخلی با قیمت متعارف، زیرا که ظاهراً مبلغی پایین تر از ۱۰۰۰ دینار طلا دارند اما از ۱۰۰ شتر گران تر هستند، تبدیل شود. گرچه ظاهراً انتخاب یکی از موارد ۶ گانه (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۲/۲۵) به عنوان دیه به مصالحه گذاشته می شود اما مردم عمدتاً بی اطلاع اند) و اگر کسی حتی بخواهد یک خانم را حذف کند بداند که در برابر، خودش نیز حذف خواهد شد تا بانوان جامعه بتوانند در امنیت بیشتر (حتی ذهنی) فعالیت نمایند؛ زیرا مثلاً بعضاً ممکن است برخی نمایندگان برای رأی دادن یا ندادن تحت فشار یا تهدید قرار گیرند.

پس عقل حکم می کند که برای مسئولیت های خطیر، امنیت کافی باید وجود داشته باشد نه امنیت ناکافی. قوانین قضایی نیز در رد تهدیدات جانی وجود دارند اما چه کسی نمی داند که ناکافی اند. پس بهتر است که با اصلاح قانون دیه، اطمینان افراد یاغی از ایمن بودنشان، کاملاً برطرف شود. فرض کنید یک خانم ارزشمند، فعال و مفید در اجتماع توسط یک ناجوانمرد مجرم تهدید به کشتن! و سپس پرداخت دیه شود (مسئله ای که برای نویسنده این سطور توسط مردی خانه نشین که با فریب، کمک مالی دریافت می کرد رخ داده است و برای امثال خانم میترا استاد عملاً اجرا شده است. معلوم است که بانوانی با مسئولیت خطیر بیشتر در معرض این تهدید تحقیرآمیز هستند. متأسفانه با وجود چنین قوانینی، این امر، واقعیت جامعه است). آیا این مسئله منطقی اخلاقی و قابل پذیرش است؟ یا فرض بفرمایید که دیه یک خانم مجتهده نخبه، نصف یک مرد کندذهن و بیکار و متکی به دیگران باشد. اصلاً آیا تحقیرآمیز نیست؟

نقد و بررسی

بهتر است هم در صدور احکامی که خصوصاً با حق انسان ها در ارتباطند و هم در بازگویی و بیان آن ها بررسی و دقت کافی به عمل آید. زیرا صدور و بیان قطعی حکم از سوی افراد، منطقی سطحی از قضاوت است و مطابق روایت «القاضی یوقف علی شفیر جهنم؛ یعنی قاضی بر لبه پرتگاه جهنم نشسته است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۴۰۷).

علی‌الخصوص که در اینجا بحث حق زنان، بالاخص حق زن مسلمان شیعه یعنی نوعی از حق‌الناس مطرح است. امام جعفر صادق، علیه‌السلام، فرمودند: «ما عَبْدٌ اُ بِشَيْءٍ اَفْضَلَ مِنْ اِداءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ؛ یعنی خداوند به هیچ چیزی برتر از پرداخت حق مؤمن عبادت نشده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۱۷۰). همین‌طور پیامبر گرامی اسلام، صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، می‌فرمایند: «وَصَاحِبُهُمْ مُحْتَبَسٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ بَثْلَاثَةَ دَرَاهِمٍ لِفُلَانٍ الْيَهُودِي، وَكَانَ شَهِيدًا؛! یکی از افراد (فلان قبیله) که شهید شده به خاطر سه درهم که به فلان یهودی بدهکار بوده بر در بهشت زندانی گشته و به وی اجازه ورود نمی‌دهند!» (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۱/ ۲۲۴). پس باید در صدور هرگونه حکم و بیان درباره دیه زن نهایت ملاحظه صورت پذیرد. مطابق روایات بالا هرگونه سخنرانی و مصاحبه یا صدور حکم در این زمینه اگر با تحقیق کامل و علم نباشد فردی قیامت فرد را در مقابل تمام بانوانی که در طول زمان (در تمام مدت زمان اثرگذاری حکم) حق آن‌ها تضییع گشته است، دین‌دار خواهد ساخت.

نقد برخی نظرات افرادی که دیه زن را نصف می‌دانند:

الف. برداشت نادرست از ابتدای آیه ۱۷۸ سوره بقره:

در ابتدای این آیه، «یا ایها الذین امنوا کتب علیکم» آمده است که به نظر می‌رسد برخی آن را به اشتباه، به وجوب تمیز قائل شدن بین نفوس انسانی تعبیر نموده‌اند. درحالی‌که به نظر می‌رسد این «وجوب»، جهت انجام قصاص یا معادل آن و نیز برای پرهیز از هرگونه تعدی» از طرف قوم و طایفه تجاوزگر بوده است. برای همین است که در آیه ۱۷۹ بلافاصله خداوند دلیل لزوم قصاص را که مایه تداوم زندگی است، بیان فرموده است.

ب. نقد تفسیر اشتباه آیه النفس بالنفس:

برخی افرادی که دیه زن و مرد را نابرابر می‌دانند، برای تطابق آیه ۱۷۸ سوره بقره بر آیه ۴۵ سوره مائده، النفس بالنفس را به جای نفس آدمی به جای نفس آدمی، به صورت: «نفس آدمی اگر مرد باشد بر نفس مرد و اگر زن باشد بر نفس زن تفسیر می‌کنند». این پاسخ توسط برخی روحانیون محترم در جواب احتجاجات نویسنده به صورت شفاهی به ایشان بیان شده است. درحالی‌که اولاً همان‌گونه که بیان شد در توراتی که در دسترس است و خدا حکم آن را در قرآن بازگو فرموده و در احکام یهود چنین نیست. یعنی در باب ۲۱ سفر خروج تورات بخش ۱۲، نوشته شده که هر که انسانی را بزند و او بمیرد هرآینه کشته شود و در بخش ۲۴ همان باب نوشته شده: «و چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان و دست به عوض دست و پا به عوض پا» و هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده است. الان نیز در آیین کلیمیان، همین شیوه برقرار است و فرقی قائل نیستند. حق این است که این افراد با در اولویت قراردادن قرآن در تفسیر، طبق ترتیب نزول آیات دیه در قرآن جلو بروند (یعنی اول سوره بقره آیه ۱۷۸ و بعد سوره نساء آیه ۹۲ و در آخر سوره مائده آیه ۴۵ که آخرین سوره نازل شده است) که در این صورت هم نمی‌توانند از آیه ۹۲ نساء پریده یعنی آن را نادیده گرفته و آیه سوم یعنی ۴۵ سوره مائده را بر آیه اول نازل شده یعنی ۱۷۸ سوره بقره تطابق دهند. ثالثاً شرح داده شد که چنین تفسیری با مفهوم آیه ۹۲ سوره نساء در تناقض است. پس تفسیر این‌گونه افراد به نظر نادرست است.

ج. به کار بردن اشتباه دلیل نصف بودن ارث دختر برای دیه:

عده‌ای می‌گویند دیه زن نصف مرد است؛ چون مرد سرپرست خانواده و نان‌آور خانه است. درحالی که این دلیل برای نصف بودن ارث دختر نسبت به پسر صحیح است نه برای نصف بودن دیه زن و دلیلی که برای نصف بودن ارث می‌آورند، برای دیه کارآیی ندارد. درست است که در قرآن واضحاً ارث دختر، نصف ارث پسر ذکر شده است، چون زن سرپرست خانواده نیست و مسئولیت تأمین معاش خانواده را ندارد و ارث مرد کامل است چون او سرپرست خانواده است و عهده‌دار تأمین امرار معاش و اقتصاد و نفقه زن می‌باشد؛ اما درباره دیه که نصف بودن آن در قرآن نیامده است، توجیهات بالا درست نیست زیرا «دیه»، ارزش گذاری یک فرد و موجود «زنده» است. دلیل قرآنی آن این است که خداوند در سوره بقره آیه ۱۷۹، قصاص را مایه زندگی برمی‌شمارد: «و لکم فی القصاص حیات یا اولی‌الالباب؛ یعنی ای صاحبان خرد! در قصاص برای شما زندگانی وجود دارد»؛ زیرا قصاص از تداوم ارتکاب جنایت ممانعت می‌کند و در موارد متعددی، دیه به جای قصاص (مثلاً در قتل‌های شبه‌عمد مانند تصادفات یا مثال دیگر در حال حاضر با قوانین فعلی جامعه ما، وقتی قتل عمدی توسط جانی آقا در حق یک خانم انجام شود و امکان پرداخت نصف دیه از ظرف خانواده مقتول نباشد) قابل پرداخت است.

پس دیه نیز به نوعی بازدارندگی از تعدی به نفس را به همراه دارد زیرا که توانی برای جنایت است و معلوم است که هر قدر مقدار آن بیشتر باشد چون مجرم تاوان بیشتری خواهد پرداخت، نه فقط احتمال تکرار که اصولاً احتمال تعدی کمتر خواهد شد و به نوعی جریمه‌ای پیشگیرانه است و در صورت احتمال اعدام به جای دیه این تاوان سنگین‌تر و بازدارنده‌تر خواهد بود. پس در هنگام حیات فرد، دیه به نوعی ارزش گذاری اوست که حیات و عدم حیات او را قیمت گذاری می‌کند. اگر حیات یک بانو معادل زندگی جنایتکار قاتل باشد، بهای پرداختی سنگین‌تر خواهد بود و احتمال ارتکاب بزه کمتر خواهد شد. «پس برای خانم‌ها هم که از اولوالالباب جدا نیستند، در قصاص، حیات و زندگی وجود دارد؛ لوکانوا یعلمون». بنابراین دیه کامل برای زنان خصوصاً منجر به این خواهد شد که به صورت معمول، کسی حتی جرأت تهدید جانی یک خانم را نکند؛ درحالی که هم‌اکنون این گونه نیست و ممکن است این تهدید جانی توسط یک خانم شنیده شود که تو را خواهیم کشت و دیهات را خواهیم پرداخت! یا عملاً کم‌ارزش‌تر شناخته شود. پس دیه خصوصاً از نقطه نظر یک خانم که به دلیل عدم بازدارندگی قوانین کنونی دیه و قصاص، ممکن است در معرض تهدید قرار بگیرد، ارزش گذاری یک موجود زنده است و چندان ارتباطی به پس از مرگ ندارد. «زیرا یک فلسفه مهم قصاص، بازدارندگی است». پس مبلغ دیه هم باید بازدارندگی داشته باشد تا کسی نه فقط جرأت تهدید نداشته باشد که حتی در مخیله‌اش هم کشتن یک زن را ساده نپندارد و جان او را کم‌ارزش نداند. درواقع یک خانم، بیشتر از پس از مرگ، دیه خود را در زمان زندگی و حیات خود لازم دارد تا هم مورد تهدید قرار نگیرد (قاتل از کشته شدن متقابل بترسد) یعنی امنیت داشته باشد و هم در جامعه ارزش او کمتر تلقی نگردد. نه اینکه یک قاتل، کمترین ترسی از کشته شدن متقابل نداشته باشد. به عنوان شاهد مثال می‌توان به مثال‌های در صفحه حوادث رسانه‌ها مراجعه نمود.

د. نقد برداشت نادرست از سخنان محقق اردبیلی در زمینه برابری دیه زن و مرد که توسط علما مبنا قرار گرفته است:

متأسفانه اخیراً یک فرد در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا بدون دقت و مطالعه لازم، ادله برابری دیه زن و مرد را رد کرده و گفته است: این ادعا که آیت... مقدس اردبیلی (ره) دلیلی بر تفاوت دیه زن و مرد و نصف بودن دیه زن نیافته‌اند، نادرست است! ایشان می‌گویند: «مقدس اردبیلی در کتاب خود (مجمع الفائده و البرهان: ۱۴/ ۳۲۲) به وجود دلیل تصریح کرده و فرموده است دو دلیل اجماع و اخبار در این مسأله قائم است!» (isna.ir/x8JWQ)؛ درحالی‌که با رجوع به صفحه ۳۲۲ از جلد ۱۴ این کتاب وزین می‌خوانیم: «قوله دیة الانثی نصف ذلک: «کأن» دلیله الاجماع والاخبار و قد مرّت، فتذکر؛ یعنی: «گویا» (انگار که) مدرک نصف بودن دیه زن، اجماع و اخبار (یعنی قول مشایخ غیر معصوم) است که گذشت، پس به یاد داشته باش».

نتیجه: پس به نظر می‌رسد که علامه محقق اردبیلی نصف بودن دیه زن را در نص^۱ (متن صریح قرآن یا روایت معتبر از معصومین) قابل قبولی ندیده‌اند اما در اخبار^۲ (سخنان غیر معصومین یا سخنان نه چندان معتبر از قول معصومین) دیده‌اند:



به علاوه حجت الاسلام والمسلمین دانشمند در گفت‌وگو با خبرنگار فقه و حقوق خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) اظهار داشت: «مقدس اردبیلی (ره) در کتاب خود به نام «مجمع الفائده والبرهان» در جلد ۱۴ صفحه

^۱ نص: ظاهر قرآن یا احادیث پیامبر و امامان (ویکی فقه)

^۲ خبر: گفتار هر انسانی که نقل شده و ذاتاً احتمال صدق و کذب دارد (ویکی فقه)

۳۱۳ تأکید می کند که گویا دلیل دیگران برای تنصیف دیه زنان اجماع یا نص است ولی من آن را نیافته‌ام». این مدرس حوزه علمیه قم افزود: «مقدس اردبیلی با تتبع فراوانی که داشت حتما روایات را دیده است ولی دلالت آن‌ها را تام ندیده است» (دانشمند، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵: isna.ir/x8LQd).

لبرهان فی ش

جلد ۴

۳۱۳

ح

ج ۱۴

فی دیة النفس

۳۱۳

ودیه شبیه العمد ثلاث وثلاثون حقّة وثلاث وثلاثون بنت

الین الذي تجلب منه، وهو معروف.

والمسان، قيل: جمع مستة، وهي التي دخلت في الثالثة.

والظاهر ان الذكر يجتزى (يجزى - خ)، بل ظاهر بعض الروایات ذلك

حيث قال: (من فحولة الابل المسان) (۱).

والبقرة أيضاً ما تصدق عليه، وكأنه لا بد ان تكون انثى في سن يقال: انها

بقرة.

واما كون الدية تستأدى في سنة واحدة فدليله واضح، وهو صحيح أبي

ولاد المتقدم.

واما كونها من مال الجاني، فهو ظاهر ومقتضى القواعد.

واما (۲) كون دية الاطفال، سواء ولد وحصل حال اسلام أحد ابويه أو

اسلم وحدهما قبل بلوغه فيلحق به مثل دية الرجل المسلم وكون دية النساء نصف

ذلك.

فما عرفه، فكانه اجماع أو نص ما اطلعت عليه.

واما عدم اجزاء المراض من الحيوانات المذكورة، وكذا عدم اجزاء القيمة

مع القدرة على العين، فهو واضح بعد ثبوت المذكورات بالدليل.

وأشار في الشرائع (۳) إلى التردد في اجزاء القيمة، وكأنه للشيخ على ما قيل

في شرحه.

قوله: «ودية شبیه العمد الخ». اعلم أنّ الدية المذكورة بمجموعها ما

(۱) الوسائل باب ۲ صدر حديث ۳ من ابواب ديات النفس ج ۱۹ ص ۱۴۷.

(۲) قوله قدس سره: ولما كون دية الاطفال الخ فجواب لما قوله قدس سره: (فما عرفه الخ).

(۳) قال في اوائل كتاب الدیات من الشرائع. بعد بيان انواع الحيوانات للدية: وهل يقلل القيمة

الستة مع واحد الا لا؟ فيه تردد، والاشبه لا.

با مراجعه به صفحه ۳۱۳ همین کتاب مجمع الفائده والبرهان جلد ۱۴ می بینیم در آن نوشته شده است: «و كون دیه النساء نصف ذلك. فما عرفه، فكانه اجماع او نص ما اطلعت عليه؛ یعنی: و دیه زنان نصف می باشد. من چنین چیزی را نمی دانم یا نشناختم. شاید اجماع یا نص باشد که من آن را نیافتم». همان گونه که می بینید مطلب صفحه ۳۱۲، مؤید برداشت از مطلب صفحه ۳۲۲ است. یعنی از نظر علامه محقق اردبیلی، نص مقرون به صحتی درباره نصف بودن دیه زنان وجود ندارد. ضمن اینکه علامه محقق اردبیلی در صفحات دیگر همین کتاب مثلاً صفحات ۴۷۳ تا ۴۶۷ به نقد منطقی یا ضعف روایی یا مخالفت با کتاب و سنت برخی احادیث نقل شده درباره نصف بودن دیه زن می پردازند. که به عدم وجود نص صحیح ختم می گردد. اهل بیت فرموده اند که سخنان ما با قرآن در انطباق اند و در صورت انطباق نداشتن از ما نیستند (طوسی، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۹۰). جالب است بدانیم که حضرت امام خمینی (ره) می فرمایند: «اگر دویست تا روایت هم برخلاف نص آیات الهی باشد (روایات صحیح و آیات بر هم منطبق می باشند)، ما آن روایات را به دیوار می زنیم».

احکام قتل عمد و غیر عمد در حال حاضر طبق نصف بودن دیه زن که دارای تناقض و گاه غیر منطقی است:					
قتل عمد	قاتل مرد	مقتول مرد	اگر ولی دم به دیه راضی نشود	قاتل کشته می شود.	فقط در صورت پرداخت نصف دیه کامل به خانواده قاتل از طرف خانواده زن مقتول، قاتل کشته خواهد شد (یعنی یا قاتل زنده می ماند یا اینکه کشته می شود؛ اما خانواده اش جایزه و پاداش دریافت می کنند چون قاتل یک زن را کشته است!)
		مقتول زن		قاتل کشته نمی شود.	
		مقتول مرد		قاتل کشته می شود.	
	قاتل زن	مقتول زن	قاتل کشته می شود.	اگر اینطور است خانواده قاتل باید نصف دیه را به خانواده مقتول بدهند که ظاهراً شرع کنونی این را نمی گوید	
		مقتول زن		قاتل کشته می شود.	
قتل غیر عمد	قاتل مرد	مقتول مرد	قاتل قصاص و کشته نمی شود.	قاتل باید دیه کامل را بپردازد.	این توضیح باید داده شود که تصادفات از جمله موارد قتل غیر عمد می باشند که گرچه ممکن است کاملاً عمدی باشند؛ اما برای عمد بودن آن ها معمولاً شواهد محکمه پسندی وجود ندارد. پس شبهه عمد محسوب می شوند که باز هم نصف بودن دیه زن چه بسا موجب اجحاف در حق اوست.
		مقتول زن		قاتل فقط نصف دیه را باید بدهد.	
	قاتل زن	مقتول مرد		قاتل باید دیه کامل را بپردازد.	
		مقتول زن		قاتل فقط نصف دیه را باید بدهد.	

نتیجه گیری

در این نوشتار ثابت شد که مطابق آیات قرآن و روایات دیه زن و مرد بایکدیگر برابر است و اجماعی که در روایات وجود دارد بر اثر غفلت از تحقیق و بررسی دقیق روایات بوده است. با این حال تحقیق و بررسی عمیق روایات توسط برخی محققین مانند شیخ حر عاملی و علامه محقق اردبیلی و آیت ا... صانعی انجام شده است که به ضعف روایی و منطقی یا مخالفت با کتاب و سنت نص احادیث منقول رسیده اند. همین طور بیان شد که فقط یک حدیث مستند (محکم) در باب دیه وجود دارد که در آن میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. در نهج البلاغه نیز آنجا که حضرت امیر، علیه السلام، با اشاره به برپایی جنگ جمل توسط عایشه، نقایص عمومی برخی زنان را برمی شمارند در کنار نصف بودن ارث، هیچ اشاره ای به نصف بودن دیه زنان نمی فرمایند (نهج البلاغه، خ ۸۰). در قرآن هیچ آیه ای دیه زن را نصف بیان نمی کند. همین طور با بررسی آیات دیه از قرآن کریم نیز ثابت کردیم که دیه زن و مرد باهم برابر است و تنها آیه ای که برخی اخبار (روایات غیر موثق) از آن معادل نبودن دیه زن و مرد را استنباط کرده اند، آیه ۱۷۸ سوره بقره است که با توجه به شأن نزول، کلاً برای خاتمه بخشیدن به تعدی های یک

طایفه متجاوزگر اهل جاهلیت نازل شده بوده است که حتی ارزش برده‌ها را کمتر از افراد آزاد می‌پنداشته‌اند؛ درحالی‌که دیگر نه برده‌ای وجود دارد و نه بردگان کم‌ارزش‌تر محسوب می‌شوند و به همین قاعده، زنان هم کم‌ارزش‌تر محسوب نمی‌شوند. همین‌طور با توجه به ترتیب نزول آیات دیه نیز به همین نتیجه رسیدیم. به علاوه طبق آیه ۹۳ سوره نساء، به‌وضوح دیه زن و مرد یکسان می‌باشد.

همین‌طور نتیجه گرفتیم که ممکن است آیه ۹۲ سوره نساء ناسخ آیه ۱۷۸ سوره بقره یا دست‌کم تبیین‌گر آن به جهت اختصاص به جوامع واجد بی‌عدالتی و متعصب و برتری‌طلب و ستیزه‌جو و لجبازی که میان ارزش نفوس آدمی تفاوت قائل‌اند، باشد.

در پایان به نقد برخی نظراتی که نصف‌بودن دیه زن را قبول دارند، پرداخته و نظرات ایشان مردود اعلام گردید. ازجمله اینکه اشاره شد که یک فلسفه مهم قصاص از نظر قرآن کریم بازدارندگی است. پس مبلغ دیه هم باید بازدارندگی داشته باشد تا کسی نه فقط جرأت تهدید نداشته باشد که حتی در مخیله‌اش هم کشتن یک زن را ساده نپندارد و جان او را کم‌ارزش نداند. درواقع یک خانم، بیش از پس از مرگ، دیه خود را در زمان زندگی و حیات خود لازم دارد تا هم مورد تهدید قرار نگیرد (قاتل از کشته‌شدن متقابل بترسد) یعنی امنیت داشته باشد و هم در جامعه مورد وهن قرار نگرفته و ارزش او کمتر تلقی نگردد. همین‌طور در این مقاله به لزوم تقوای الهی در زمینه تأدیه حقوق بانوان بالخص بانوان شیعه به عنوان حق الناس تأکید شد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن ابی حاتم، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، صفحه ۲۹۳، ریاض - عربستان، مکتبه نزار مصطفی الباز.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۳۷۶)، تفسیر روضه الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد مقدس ایران، آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد معروف به علامه محقق اردبیلی، (۱۴۱۶ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی <https://noo.rs/TTcpB>
۶. اسماعیلی، اسماعیل، (۱۳۷۹)، فصلنامه فقه، پژوهشی در مورد‌های شش‌گانه دیه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، <https://lib.eshia.ir/> ۲۵۷/۱۰۲۵/۲
۷. بهجت‌پور، عبدالکریم، (۱۳۹۴)، شناخت نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم، قم، نشر تمهید.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۷۲)، وسائل الشیعه، جلد ۱۹، صفحه احتمالاً ۱۴۲، تهران، اسلامیه.
۹. حسینی یزدی، سید محمد علی، (۱۳۹۰)، داستان‌هایی از زندگی فقیه محقق مقدس اردبیلی قدس سره (روایت ۷ و ۱۳)، مجله پیام حوزه، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ش ۱۰ و ۱۱، <https://noo.rs/nxPOB>
۱۰. خادیمان، حسین، (۱۳۹۶)، با استناد به قرآن می‌توان دیه زن و مرد را برابر کرد، سایت عطنا رسانه تحلیلی

دانشگاه علامه طباطبائی، <https://atna.atu.ac.ir/000Y57>

۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۴۰۳)، بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان در آستانه‌ی ولادت حضرت زهرا (سلام ... علیها) و روز زن، ۲۷ آبان ۱۴۰۳، <https://khl.ink/f/58656>
۱۲. دانشمند، مهدی، (۱۳۸۵)، روایاتی که بر تنصیف دیه زنان دلالت دارند، به نوعی دارای خدشه هستند، isna.ir/x8LQd
۱۳. صانعی، یوسف، (۱۳۸۴)، کتاب برابری دیه؛ زن و مرد، مسلمان و غیرمسلمان، قم، موسسه فرهنگی ثقلین.
۱۴. طبرسی، احمدابن علی، (۱۴۰۳ق)، احتجاج، نوبت چاپ اول، جلد ۱، صفحه ۲۲۴، مشهد، نشر مرتضی.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق)، تفسیر مجمع البیان، جلد ۱، صفحه ۴۷۹، بیروت - لبنان، دارالمعرفه.
۱۶. طوسی، محمدابن حسن، (۱۳۹۶ق)، استفسار، جلد اول، صفحه ۱۹۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. طوسی، محمدبن حسن، (بدون تاریخ)، التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، صفحه ۱۰۲، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی.
۱۸. علوی گرگانی، سیدمحمدعلی، (۱۳۹۵)، کلمات حکم به العقل، حکم به الشرع، کانون علم و دین
۱۹. کلینی، محمدابن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۷۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲۰. مدرس حوزه (۱۳۸۵)، یک مدرس حوزه، این ادعا که آیت... مقدس اردبیلی دلیلی بر نصف بودن دیه زن نیافته‌اند، نادرست است، isna.ir/x8JWQ
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، جلد ۴، صفحه ۶۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. موسوی خمینی، سیدروح ...، (۱۳۶۷)، صحیفه امام خمینی.
۲۳. میبدی، رشیدالدین، (۱۳۷۱)، تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار، جلد اول، صفحه ۴۷۳، تهران، امیرکبیر.